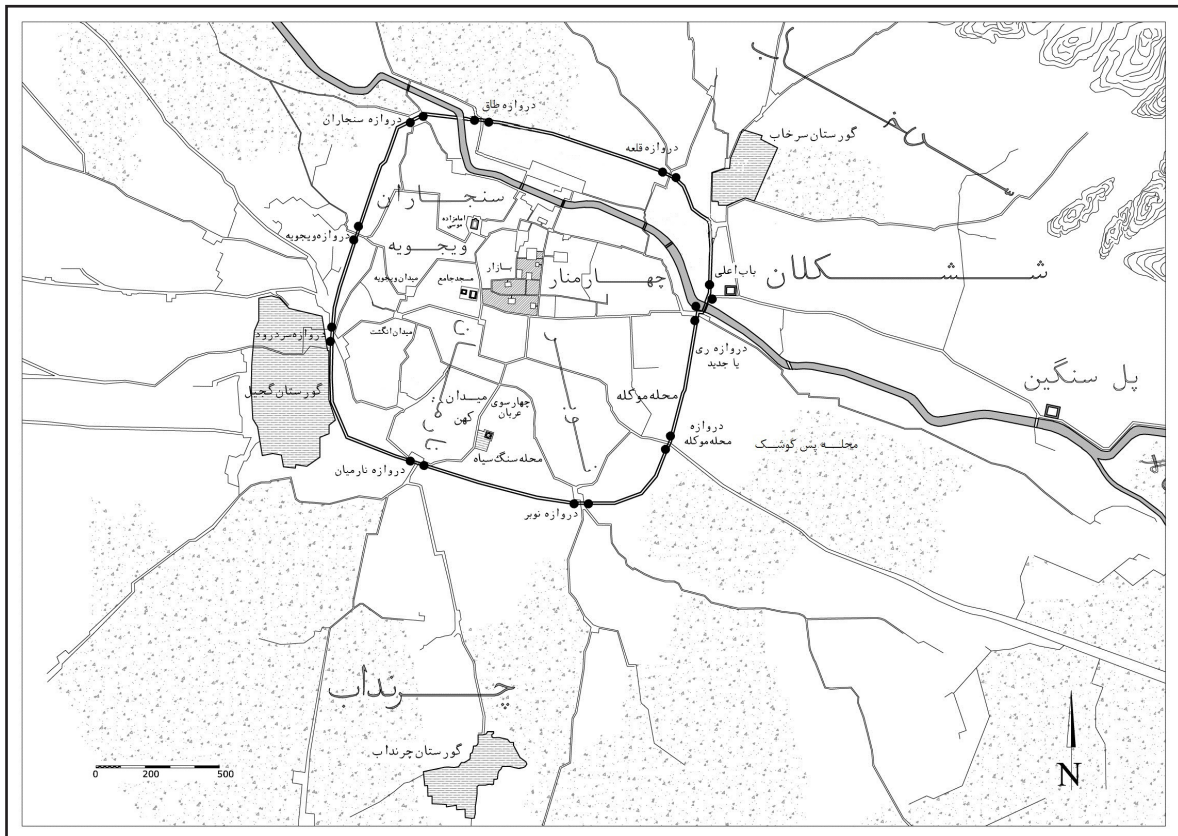


که به شهیدگاه مشهور است هفت تن از امامزاده ها در همان مسجد به درجه شهادت رسیده اند و این قضیه کمال شهرت دارد و در همان موضع سردابی است که در آن مدفونند»، (۱۳۷۱: ۳۶). از آنجا که در منابع تاریخی به ابنیه عام المنفعه متعددی از آن وزیران و حاکمان در محدوده میدان اشاره شده است، می توان عرصه میدان کهن را مرکز تاریخی استقرار نهادهای اجتماعی و سیاسی شهر قلمداد نمود. نکته قابل توجه آنکه بسیاری از مورخین اجرای حکم اعدام را نیز در میدان کهن آورده اند (فضل الله همدانی، ۱۹۴۰: ۱۱۷؛ کربلائی، ۱۳۸۳: ۳۸۹/۱).

با توجه به آنکه کربلائی مسجد کهنه فروشان را در تیزمزد، و سر بازار تیزمزد را محل ازدحام خلق خوانده، (۱۷۶/۱ و ۳۹/۲). و از طرفی مسجد شاه طهماسب در شرق میدان صاحب آباد، در محل مسجد کهنه فروشان برپا گشته، می توان چنین نتیجه گرفت که موضع میدان صاحب آباد به علت مجاورت با دروازه های قلعه و باب عالی، از گذشته محل تجمع مردم بوده است (تصویر ۲).

نویسد: «[شیخ حسن کوچک] عمارتی عالی از مسجد و مدرسه و خانقاه و غیر آن بر میدان کهن تبریز بنیاد نهاد و به اندک زمانی [۷۴۳ ه.ق.] به اتمام رسانید»، (۱۳۸۰: ۱۲۴/۱). با توجه به نقشه دارالسلطنه قراجه داغی، در ضلع شرقی مجموعه استاد شاگرد، فضای میدانی با نام قراکولیک قابل شناسایی است که از جنوب به قبرستانی منتهی می باشد. از این رو میدان کهن از سمت شمال به راسته های بازار و مسجد جامع، و از جنوب توسط گذری اصلی به دروازه مهادمهین راه داشته است، (تصویر ۱).

کربلائی می نویسد: «شیخ نجم الدین (و. ۶۱۹ ه.ق.) جهت درس خواندن در خدمت امام حفده (و. ۵۷۱ ه.ق.) و نظر یافتن از حضرت بابا فرج (و. ۵۶۸ ه.ق.)، در تبریز در خانقاه زاهدیه در سر میدان عتیق فرود آمد»، (۱۳۸۳: ۳۲۳/۲). ابن فوطی نیز در سال ۶۶۴ ه.ق. از دارالضیافه ای از آن صاحب دیوان شمس الدین محمد جوینی (و. ۶۸۳ ه.ق.) در مقابل مسجدی در محله میدان دیدن کرده است، (۱۳۷۴: ۱۷۵/۳). و حشری آورده: «در میدان تبریز مسجدی است



تصویر ۲. طرح شماتیکی از محدوده باروی رودی به عنوان باروی تاریخی شهر تبریز تا پیش از دوره ایلخانان، نام محلات و دروازه های دهگانه بارو همراه با مکان استقرار میدان های شهری ترسیم گشته است. مأخذ: جعفرپور، ۱۳۸۹: ۱۱.

ربع رشیدی (۷۰۷.ق.ه) با گونه شهر - تپه به موضع ویلانکوه، نمونه هائی از توسعه شهری بر پایه شهرکسازی با دو الگوی ساختاری متفاوت است. در این بین، احداث مجموعه های موقوفه ای چون دومنار توسط وزیر خواجه سعدالدین ساوجی (۷۱۱-۶۹۷.ق) در محله سرخاب و مجموعه امیر صدرالدین حمزه معروف به سید حمزه، دفتردار الجایتو، در درآمد سرخاب، (کربلائی، ۱۳۸۳: ۱۴۱-۲۱۳)، مجموعه علیشاه جیلانی بیرون از دروازه مهادهمین (۷۲۴-۷۱۱.ق.ه)، مجموعه غیاثیه (۷۲۰.ق.ه) در مسیر دروازه موکله/ خیابان و مجموعه دمشقیه (۳۶-۷۲۶.ق) توسط بغداد خاتون در جنوب پل سنگی بر مسیر دروازه ری، نمونه هائی از هسته های مرکزی شکل دهنده محلات پیرامونی شهر قدیم، بنابر توسعه شهری محله محور اند. پس از مرگ ابوسعید، در تبریز چوپانیان قدرت را در دست گرفته و سلطان سلیمان (حک: ۷۴۲-۷۳۹.ق) از اولاد هلاکو را به عنوان ایلخان برگزیدند. به منظور نمایش قدرت حاکمه، امیر علاءالدین شیخ حسن کوچک مجموعه ای به نام علائیه/ سلیمانیه معروف به استاد شاگرد (۷۴۳.ق)، در جوار فضای شهری مهمی چون میدان کهن تبریز، احداث نمود (تصویر ۲).

۵-۱. محدوده باروی غازانی

یکی از مهمترین اقدامات صورت گرفته جهت توسعه آتی شهر تبریز، کشیدن حصار جدید بنابر طرح جامع توسعه شهری در عهد غازان بود. در نزهة القلوب آمده: «غازان خان آن را بارویی کشید چنان که تمامت باغات و دیه ها و ولیان کوه و سنجانان نیز داخل آن بارو بود، جهت وفات او [۷۰۳.ق.ه]. تمام ناکرده بماند. و دور باروی غازانی بیست و پنج هزار گام است و شش دروازه دارد: اوچان و اهر و شروان و سردرود و شام و سراورود. در تبریز در زیر شهر به موضعی که شام می خوانند، خارج باروی غازانی، غازان خان شهرچه برآورده است [...] و در بالای شهر وزیر سعید خواجه رشیدالدین طاب ثراه به موضع ولیان کوه داخل باروی غازان شهرچه دیگر ساخته و آن را ربع رشیدی نام کرده و درو عمارات فراوان و عالی برآورده»، (حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۲۳). و صاف الحضرة چنین آورده: «در شهر سنه اثنتین و سبعمائه [۷۰۲.ق.ه] یرلیغ شد تا دارالملک تبریز را از خالص اموال خانی حاوطی رکین و بارویی حصین سازند [...] مدار آن دایره بر چرنداب و سرخاب و بیلان کوه و تمامت بساتین و باغات محیط باید، عرض دیوار ده گز و مساحت طول آن پنجاه و چهار هزار خطوه است که تقریباً چهار فرسنگ و نیم باشد و از شش جهات بارو پنج دروازه عالی به مثابت حواس خمس هر یک بر سمت شارع ملکی چون بغداد و عراق [عجم] و خراسان و اران و روم مرفوع گشت و هشت دروازه کوچک دیگر بر مابین دروب پنجگانه جهت قرب مسافت صادر و وارد»، (۱۳۸۸:

۵. رشد و توسعه شهر تبریز طی شهرسازی ایلخانی

پایتخت شدن تبریز در عهد ایلخانان، آن را به مرکز سیاسی، تجاری و مذهبی قلمرو وسیعی تبدیل کرد. بنابر نقل حمدالله مستوفی: «چون در عهد مغول آن شهر دارالملک گشت کثرت خلاقیت در آنجا جمع شدند و بر بیرون شهر عمارات کردند تا به مرتبه که بر هر دروازه زیادت از اصل شهر آبادانی پیدا شد»، (۱۳۸۱: ۱۲۲). به دلیل مهاجرت توده ها و اسکان آنها در حومه شهر یکی از سیاستهای وزرای ایلخانی جهت سامان دهی نیازهای رفاهی و آموزشی ساکنین، ساخت مجموعه هائی عام المنفعه در بیرون شهر کهن بود. این امر در تضاد با شهرسازی سلجوقی، به نمودی از تسلط و اقتدار حکومت ایلخانی بدل گردید. از این رو اولین عمارات در جوار مراکز سیاسی شهر سلجوقی برپا شدند. احداث دارالضیافه ای توسط صاحب دیوان در جوار میدان کهن تبریز، و دو باغ بنام صاحب آباد در شمال و جنوب شهر، (ابومجدت تبریزی، ۱۳۸۱: ۴۱۴)؛ و یا ساخت عمارتی در جوار ارگ شهر سیواس بر محدوده قصری سلجوقی در ۶۶۸.ق.ه، نیز، نشانگر سیاستی مشترک در انتخاب مکانی جهت نمایش سلطه حکومت ایلخانی است (Wolper, 1995: 43). در این دوره خانقاه ها و زوایائی توسط اشراف محلی به عنوان جایگزینی برای مدرسه جهت ارائه خدمات مذهبی، آموزشی و اجتماعی به بازه ی گسترده ای از لایه های اجتماعی وقف شدند (Mekking, 2009: 116). تبریز در عهد ارغون شاهد شکل گیری نخستین الگوی شهرسازی ایلخانان می باشد، که بنابر فرهنگ ایلی پیرو ساختار شهر- مرتع است. انتخاب موضع شنب در غرب تبریز جهت ساخت ارغونیه (۶۸۹.ق.ه)، نخستین تجربه توسعه شهری ایلخانی بر مبنای شهرکسازی است. رشیدالدین در جامع التواریخ آورده: «[ارغون خان] در محل شمش تبریز شهری عظیم بنا نهاد و در آنجا خانه های عالی اساس افکند، او بفرمود هر آفریده که خواهد در آنجا خانه سازد. آن شهر را ارغونیه نام نهاد. این ساختمان با معابدی که برای بت پرستان [بودائیان] داشت و صورت خود ارغون بر دیوارهای آن نقش شده بود به دست محمود غازان ویران گشت» (مشکور، ۱۳۵۲: ۴۵۰).

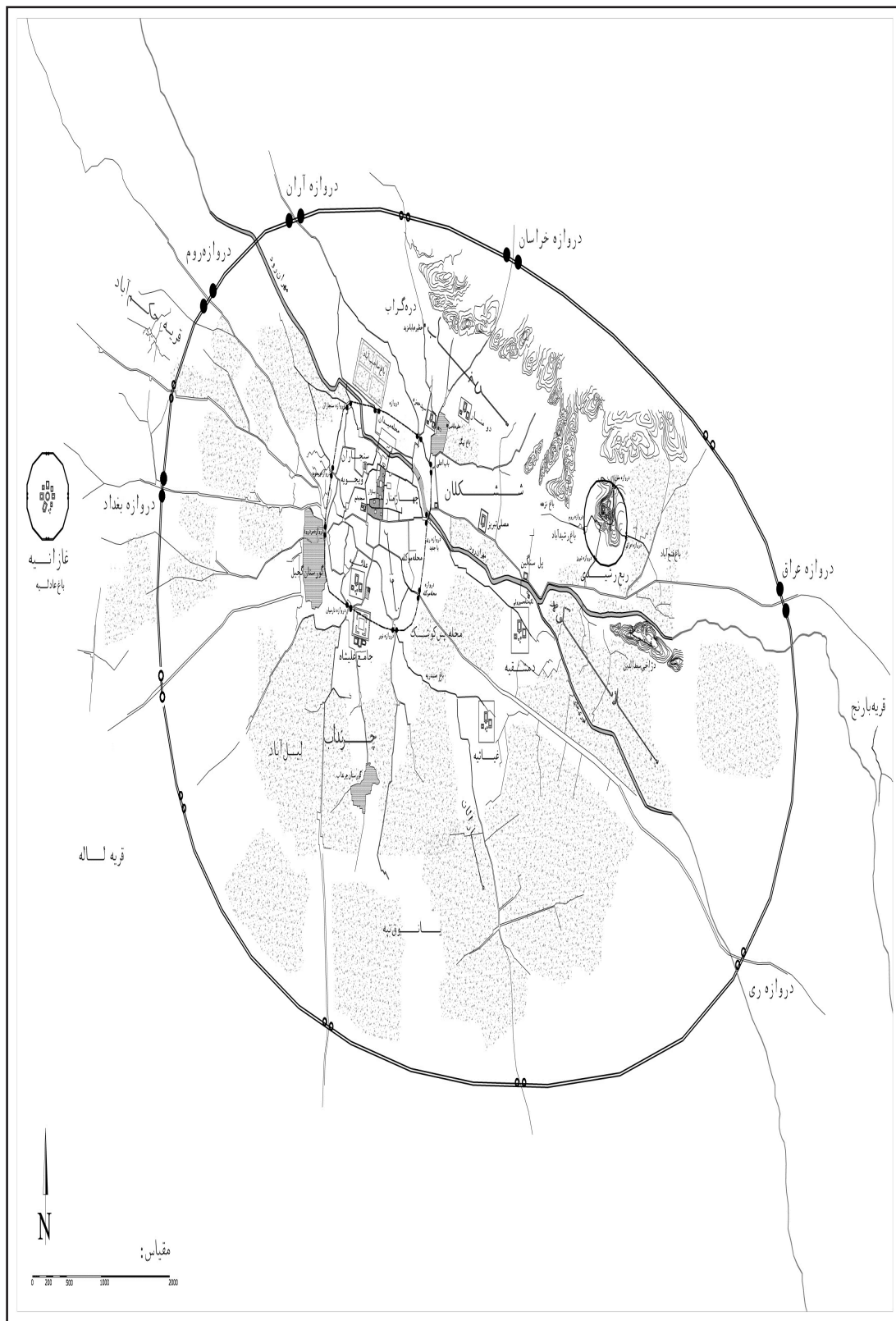
دوره غازان خان آغازگر فصلی جدید در توسعه شهری تبریز است. فضل الله همدانی کثرت جمعیت را عامل ساخت عماراتی چند طبقه، ایجاد کوچه هائی تنگ و بلند و شیوع بیماری می داند، که در نتیجه آن شهر ضایع می گردد (۱۹۴۰: ۲۵۰). از این رو بنابر کثرت جمعیت و کمبود فضا در محدوده شهر قدیم، حکومت سیاست توسعه شهر به سمت خارج بارو را در پیش می گیرد. در این راستا شاهد دو روش توسعه شهری هستیم: یکی ساخت شهرک های اقماری با باروئی جداگانه شامل محلات درونی و بیرونی، و دیگری احداث محلاتی به مرکزیت مجموعه های موقوفه در حومه شهر قدیم. ساخت شهرک غازانیه (۷۰۲-۶۹۷.ق) با گونه شهر - مرتع به موضع شنب، و شهرک

در عدم پذیرش شهر بوده است. به طور مشخص غازانیه به عنوان شهر- مرتع حکومتی جدا از تبریز عمل می کرده است. استقرار این دو شهرچه در جوار دروازه های مهمی چون روم، بغداد و عراق، که بر مسیر جاده های تجاری بین قاره ای واقع اند، نشانگر توجه به عامل تجارت در رونق شهرهاست. چنانچه -رشیدالدین می نویسد: «غازان خان در محله شم نیز شهری بزرگتر از محوطه قدیم تبریز واقع در غرب آنجا، موسوم به غازانیه بناکرد و دستور داد تا تاجران که معمولاً از روم و فرنگ می آمدند، کالاهای خود را در بارانداز آنجا عرضه کنند»، (همان: ۱۳۷۳ / ۲). ابن بطوطه نیز چنین آورده: «پس از دو روز راه پیمایی به شهر تبریز رسیدیم و در خارج شهر در محلی موسوم به شام منزل کردیم. قبر غازان پادشاه عراق در این محل است. [...] فردای آن روز از دروازه بغداد وارد شهر شدیم»، (۱۳۷۶: ۲۸۳/۲). از طرفی در وقفنامه ربع رشیدی نیز به قیصریه، ۲۴ باب کاروانسرا و ۱۵۰۰ باب دکان در شهرستان رشیدی اشاره شده که محدوده بازار آن از دروازه عراق رشیدیه تا دروازه تبریز امتداد داشته است (سعیدنیا، ۱۳۸۱: ۳۷). به این ترتیب می توان شمائی از ساختار شهر تبریز در دوره ایلخانی بدست آورد (تصویر ۳).

۳/۳۸۵). در این باب رشیدالدین فضل الله همدانی نیز می نویسد: «و شهر تبریز که این زمان دارالملک است، بارویی مختصر داشت و آن نیز مندرس گشته، و بیرون شهر خانه ها و عمارات بسیارست، فرمود [غازان خان] که چگونه شاید که شهری چندین هزار آدمی آنجا ساکن اند و دارالملک است، آن را بارویی ن سازند. [...] در وقتی که شهر تبریز را بنیاد می نهادند چه گمان بردند که حال، آن به جایی رسد که چندین هزار خانه بیرون بارو بسازند و درین اندک زمان که مشاهده کرده شد این همه خلق زیادت گشتند و این عمارات بیرونی ساختند. اگر برین قیاس، کثرت پیدا شود امیدست که خلق این شهر عظیم بسیار گردند، همت بلند می باید داشت و این بارو را چنان کشیدن که تمامت باغات مردم با خانه ها به هم، داخل محوط افتد تا باغات خراب نباید کرد و تمامت را قیمت زیادت شود و ما را ثواب باشد، و نیز ممکن که به یمن توفیق الهی به مرور ایام چندان جمعیت و ازدحام پدید آید که تمام این محوط را خانه ها سازند و به هم پیوندند و جایگاه بر مردم نباشد»، (۱۹۴۰: ۵-۲۰۴).

بدین ترتیب باروی غازانی شهر تبریز با محیطی به طول ۲۵ الی ۲۶ کیلومتر^{۱۰} حداقل دارای پنج دروازه اصلی با نام های عراق/ اوجان، خراسان/ سراورود، اران/ شروان، روم/ شام و بغداد/ سردرود بوده است. شاردن طول شهر تبریز را در دوره غازان خان از شرق به غرب از تلخه رود تا آبادی بارنج آورده است (شاردن، ۱۳۴۵: ۴۱۲). در بعضی منابع به محل دروازه های باروی غازانی نیز اشاره شده است، از آن جمله در وقفنامه ربع رشیدی آمده: «فنواتی که از جانب یمین رودخانه تبریز می آیند در ممری موسوم به ممر ایمن، که آن از بالای باغچه نی کش جاری شده بر راه جاده کندرود و تا نزدیک در باغ فتح آباد و دروازه عراق و از آنجا هم بر جاده می آید تا پول سنگین»، (فضل الله همدانی، ۱۳۵۶: ۲۰۴). بنابراین حدود دروازه عراق را می توان در منتهی علیه شرقی مهران رود، در مسیر جاده اوجان تعیین کرد. محل دروازه بغداد یا سردرود در جنوب غربی بارو در امتداد راه شنب، و دروازه روم یا شام در شمال غرب بارو متصل به مسیر دروازه ویجویه، و دروازه اران مستقر در سمت شمال بارو اندکی به سمت غرب در امتداد جاده متصل به پل آجی چای در مسیر دروازه های قلعه، طاق و سنجران، و دروازه خراسان یا سراورود (سراب رود/ تلخه رود) در شمال شرق باروی غازانی در امتداد دروازه باب اعلی و جاده منتهی به تلخه رود که از میان کوه های سرخاب می گذشته، واقع بوده اند. غازان خان دستور ساخت کاروانسرا، اصطبل، حمام، بازار و کارگاهی را در کنار هر یک از دروازه های اصلی باروی جدید تبریز صادر کرده بود، (فضل الله همدانی، ۱۳۷۳: ۲/۱۳۷۵).

بنابر سخن حمدالله مستوفی، غازانیه در خارج باروی غازانی و رشیدیه در داخل بارو واقع بوده اند. به احتمال زیاد عدم استقرار شهرچه غازانیه در حریم داخلی بارو ناشی از آداب و سنن مغولان



تصویر ۳. بازآفرینی محدوده باروی غازانی و طرحی شماتیک از توسعه شهر تبریز به خارج از محدوده باروی روادی تا سال ۷۵۰ه.ق/ ۱۳۵۲م. مأخذ: جعفرپور، ۱۳۸۹: ۱۷.

۶. نتیجه گیری

قرار گرفته و به نمونه ای کامل از یک شهر توسعه یافته ایلخانی بدل گشت. با توجه به بررسی ساختار شهر تبریز در دوره پیش از ایلخانان و تعیین محدوده باروی آن به همراه فضاهای مهم شهری چون میادین، ارگ حکومتی و مسجد جامع، چگونگی روند توسعه شهر در دوره ایلخانی مشخص و محورهای سیاست های اعمال شده تعیین گشت. به این ترتیب با مهاجرت اقشار مختلف شهری و ایلی به سمت پایتخت از یک سو و استقرار اشراف سلطنتی در آن از سوئی دیگر، جهت کاهش تراکم جمعیت در محدوده شهر قدیم، در تبریز با دو سیاست توسعه شهری رو به رو هستیم: یکی احداث مجموعه- های موقوفه به عنوان هسته های خدماتی - مذهبی محلات حومه شهر قدیم، و دیگری ساخت شهرکهای اقماری مستقل. عامل مهمی چون احداث باروی غازی و تعیین محدوده آن، موجب شناخت هرچه بهتر گستره مورد پیشبینی ایلخانان جهت توسعه آتی شهر تبریز بود. محدوده به دست آمده قسمت عمده ای از مساحت تبریز کنونی را شامل و از محدوده شهر دوره قاجار فراتر است. ساخت چنین بارویی متضمن توسعه شهر به سمت شرق در مسیر جاده ری می باشد.

بر اساس مطالب آمده، روند توسعه شهری طی شهرسازی ایلخانی را می توان متأثر از جریان های سیاسی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی موجود در گستره وسیع تحت سلطه ایلخانان طی قرن هفتم هجری/ سیزدهم میلادی دانست. افول و انهدام یکباره حیات در برخی از شهرهای خراسان و مرکز ایران بر اثر حملات مغول در اوایل قرن هفتم، و رشد مجدد و توسعه و رونق برخی دیگر از شهرها در اواسط و اواخر همان قرن، نشانگر تحولاتی مهم در عرصه پذیرش مدنیت از سوی ایلخانان است. در این دوره با تحقق یافتن مواردی چون استقلال ایلخانان، احساس نیاز به قدرت مرکزی جهت تثبیت حکومت، حضور دیوان-سالاران در امر توسعه و عمران شهری، گرایش به ساخت شهر سلطنتی، توسعه شهر به محدوده خارج بارو به شکل محلات بیرونی شهر، تعدد مجموعه های موقوفه جهت رفاه ساکنین، موجب شکل گیری اصول شهرسازی ایلخانی شد. ساخت شهرها و شهرک های جدید بنابر عوامل فرهنگی و اقتصادی تابع دو گونه ی شهر- واحه ی سنتی مورد نظر دیوان سالاران و شهر- مرتع مورد قبول ایلخانان بود.

شهر تبریز طی این دوره در بطن سیاست های شهرسازی ایلخانان

پی نوشت:

- یاسای چنگیزی مجموعه قواعد و مقرراتی که چنگیز وضع کرده و به نام او سلاطین مغولی مجری آن بودند (لغتنامه دهخدا، یاسا). یاسای چنگیز مغولان را ملزم می کرد زندگی صحراگردی پیشه کنند، نه در جایی ثابت بمانند و نه در شهرها سکونت گزینند، (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۴۶۴).

- فتوت شاطری و عیاری در عصر سلجوقی با مقاومت شدید مواجه شد و به سبب قتل و نهب و اخلال و فساد که می کردند کم کم فتوت به پرهیزگاری و دینداری گرایید و اجتماعات فتیان سزای شد، در حقیقت صوفیه به تنزیه و تصفیه آن پرداخت (لغتنامه دهخدا، فتوت). آنها اساساً صنعتگرانی بودند که خدمات عمومی را بر عهده داشتند. طی قرن هفتم آنها به صنف و انجمنی گرویده بودند و این امر اهمیت شان را بنا بر نقش مذهبی زوایا، بر فعالیت های اجتماعی و سیاسی انتقال داده بود (Akin, 1995 : 67).

- شمن (šaman) کلمه ای ترکی است که در پهنه فرهنگهای ترک - مغول و تونگوسی (Tungusic) واقع در سیبری باستان رواج داشته است (ویکیپدیا، شمنیزم). در مردم شناسی، شمنیزم پدیده ای باستانی و شبه جادویی است که شمن دارای توانائی ترک بدن فیزیکی خود و ورود به عالم خلسه است. شمنیزم نوعی تجربه روحانی و معنوی است. محققین سابقه آن را چهارهزار سال می دانند و اعتقاد دارند کهنترین تکنیک شفا در بین مردم بوده است.

4. Tent - city

5. Çifte Minaret Madrasa in Sivas, 1271

6. Çifte Minaret Madrasa in Erzurum, 1290-1285

7. City - Oasis

8. City - Pasture

۹. رواد بن مثنی در زمان خلافت منصور عباسی (۱۵۸-۱۳۶ه.ق.)، حدود سال ۱۴۱ه.ق، به همراه دیگر یمنیان از بصره به آذربایجان کوچانده شد و توسط والی آذربایجان حکومت منطقه به رواد از قبیله ازد سپرده شد. رواد دارای سه پسر به نام های وجنا، محمد و یحیی بود. دوره حکومت این خاندان بر آذربایجان، در سال ۲۳۵ه.ق با عزل یحیی بن رواد از حکومت تبریز به فرمان متوکل عباسی (۲۴۷-۲۳۲ه.ق) خاتمه می یابد، (کسروی، ۱۳۷۹: ۴-۱۵۲).

۱۰. در تاریخ وصاف محیط باروی غازانی پنجاه و چهار هزار خطوه قریب چهار فرسنگ و نیم آمده است. از آنجا که هر فرسنگ برابر ۱۲۰۰۰ ذراع است، در نتیجه ۴/۵ فرسنگ برابر با ۵۴۰۰۰ ذراع می باشد. احتمالاً وصاف طول خطوه را برابر با یک ذراع گرفته است. چنانچه هر ذراع را ۴۸ سانتیمتر در نظر بگیریم، طول بارو ۲۵۹۲۰ متر می شود که تقریباً ۲۶ کیلومتر بوده و با سخن حمدالله مستوفی همخوانی دارد.

فهرست منابع:

- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۸۳) تحریر تاریخ وصاف، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۷۶، تألیف: ۷۵۷ه.ق) سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، آگه، تهران.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۶۶، تألیف: ۳۵۹ه.ق.) سفرنامه ابن حوقل (ایران در صوره الارض)، ترجمه جعفر شعار، امیرکبیر، تهران.
- ابومجد تبریزی، محمد بن مسعود (۱۳۸۱، کتابت: ۳-۷۲۱ه.ق.) سفینه تبریز، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه شورای اسلامی، مقدمه عبدالحسین حائری و نصرالله پورجوادی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- اشیپور، برتولد (۱۳۸۶) تاریخ مغول در ایران: سیاست، حکومت، و فرهنگ دوره ایلخانان، ترجمه محمود میرآفتاب، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- افشار، ایرج (۱۳۵۴) وقفیه ابواب البرّ خواجه شیخ غیاث‌الدین محمد کججی (تألیف: ۷۸۲ه.ق.)، فرهنگ ایران زمین، جلد بیست و یکم، تهران، صص: ۲۰۰-۱۶۹.
- باسانی، آلساندرو، (۱۳۶۶) دین در عهد مغول، تاریخ کمبریج ایران، جلد پنجم: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، گردآورنده: بویل، جی.آ، ترجمه حسن انوشه، انتشارات امیرکبیر، تهران، صص ۲۰-۵۱۱.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۳۳۷، تألیف: ۲۶۵ه.ق.) فتوح البلدان، ترجمه: محمد توکل. نشر نقره، تهران.
- بیانی، شیرین (اسلامی ندوشن) (۱۳۸۱) دین و دولت در ایران عهد مغول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- پطروشفسکی، آی. پی. (۱۳۶۶) اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ایلخانان، تاریخ کمبریج ایران، جلد پنجم: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، گردآورنده: بویل، جی.آ، ترجمه حسن انوشه، انتشارات امیرکبیر، تهران، صص ۵۰۹-۴۵۵.
- تهرانی (فخاری)، ف.، پارس، ف. و بانی مسعود، ا. (۱۳۸۵) بازخوانی نقشه های تاریخی شهر تبریز، وزارت مسکن و شهرسازی، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران «مادر تخصصی»، شرکت عمران و مسکن سازان شمال غرب، تهران.
- جعفرپور ناصر، ساناز (۱۳۸۹) طرح احیاء و باززنده سازی میدان صاحب الامر تبریز به عنوان فضای شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- حافظ ابرو، عبدالله (۱۳۸۰، تألیف: ۸۳۰ه.ق.)، ذبده التواریخ، چهار جلد، تصحیح کمال حاج سیدجوادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- حشری انصاری تبریزی، محمد امین (۱۳۷۱، تألیف: ۱۰۱۱ه.ق.)، روضه اطهار: مزارات متبرکه و محلات قدیمی تبریز و توابع، تصحیح عزیز دولت آبادی، نشر ستوده، تبریز.
- حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی بکر (۱۳۸۱، تألیف: ۷۴۰ه.ق.) نزهة القلوب، به تصحیح محمد دبیرسیاکی، نشر حدیث امروز، قزوین.
- رضوی، سید ابوالفضل (۱۳۸۷) ساختار حیات شهری در عصر ایلخانان، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۲۳، خانه کتاب، تهران، صص ۱۷-۴.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۸۱) بازآفرینی شهرستان رشیدی، هنرهای زیبا، شماره ۱۱، پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، صص ۴۰-۲۹.
- شاردن، ژان (۱۳۴۵) سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، امیرکبیر، تهران.
- فضل الله همدانی، رشیدالدین (۱۳۵۶، تألیف: ۷۰۹ه.ق.) وقفنامه ربع رشیدی: الوقفیة الرشیدیة بخط الواقف فی بیان شرائط امور الوقف و المصارف، چاپ حروفی از روی نسخه اصل، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، انتشارات انجمن آثار ملی تهران.
- فضل الله همدانی، رشیدالدین (۱۳۷۳، تألیف: ۷۱۰-۷۰۲ه.ق) جامع التواریخ، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، البرز، تهران.

- فضل الله همدانی، رشیدالدین (۱۹۴۰) تاریخ مبارک غازانی، داستان غازان خان، تصحیح کارل یان، نشر استفن اوستین، هرتفورد انگلستان.
- قبادیانی مروزی، ناصر خسرو (۱۳۶۳، تألیف: ۴۴۴ه.ق.) سفرنامه، به کوشش: محمد دبیرسیاقی، زوار، تهران.
- کربلائئ تبریزی، حافظ حسین (۱۳۸۳، تألیف: ۹۷۵ه.ق.)، روضات الجنان و جنات الجنان، تصحیح جعفر سلطان القرائی، ستوده، تبریز.
- کسروی، احمد (۱۳۷۹) شهریاران گمنام، نشر نگاه، تهران.
- مسکویه، احمد بن محمد. (۱۳۶۹، تألیف: ۳۷۵ه.ق.) تجارب الامم ترجمه: علی نقی منزوی و ابوالقاسم امامی، نشر سروش، تهران.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۲) تاریخ تبریز تا پایان قرن نوزدهم هجری، انجمن آثار ملی، تهران.
- ویلبر، دونالد ن. (۱۳۶۵) معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

- Akin, Günkut (1995), "The Müezzīn Mahfilī and Pool of the Selimiye Mosque in Edirne", *Muqarnas*, Vol. 12, BRILL, Harvard University and MIT, Cambridge, Massachusetts, pp. 83-63.
- Blair, Sheila S. (1993), "The Ilkhanid Palace", *Ars Orientalis*, Vol. 23, Pre-Modern Islamic Palaces, Freer Gallery of Art, The Smithsonian Institution and Department of the History of Art, University of Michigan, Michigan, pp. 248-239.
- Blair, Sheila S. (1984), "Ilkhanid Architecture and Society: An Analysis of the Endowment Deed of the Rab' -i Rashīdī", *Iran*, Vol. 22, British Institute of Persian Studies, London, pp. 90-67.
- Lane, George (2003), *Early Mongol Rule in Thirteenth Century Iran: a Persian Renaissance*, Routledge, London, p: back cover.
- Mekking, A.J.J. (2009), *The Global Built Environment as A Representation of Realities: Why and how Architecture Should be Subject of Worldwide Comparison*, Amsterdam University Press, Amsterdam.
- Sinclair, T. A. (1989), *Eastern Turkey: An Architectural and Archaeological Survey*, The Pindar Press, London.
- Wolper, Ethel S. (1995), "The Politics of Patronage: Political Change and the Construction of Dervish Lodges in Sivas", *Muqarnas*, Vol. 12, BRILL, Harvard University and MIT, Cambridge, Massachusetts, pp. 47-39.

<http://www.loghatnaameh.com>

<http://en.wikipedia.org/wiki/Shamanism>

لغت نامه دهخدا (مرداد ۱۳۸۹) بنیاد لغات نامه دهخدا، تهران:

ویکیپدیا (اوت ۲۰۱۰) شمنیزم، موسسه بنیاد ویکیپدیا: